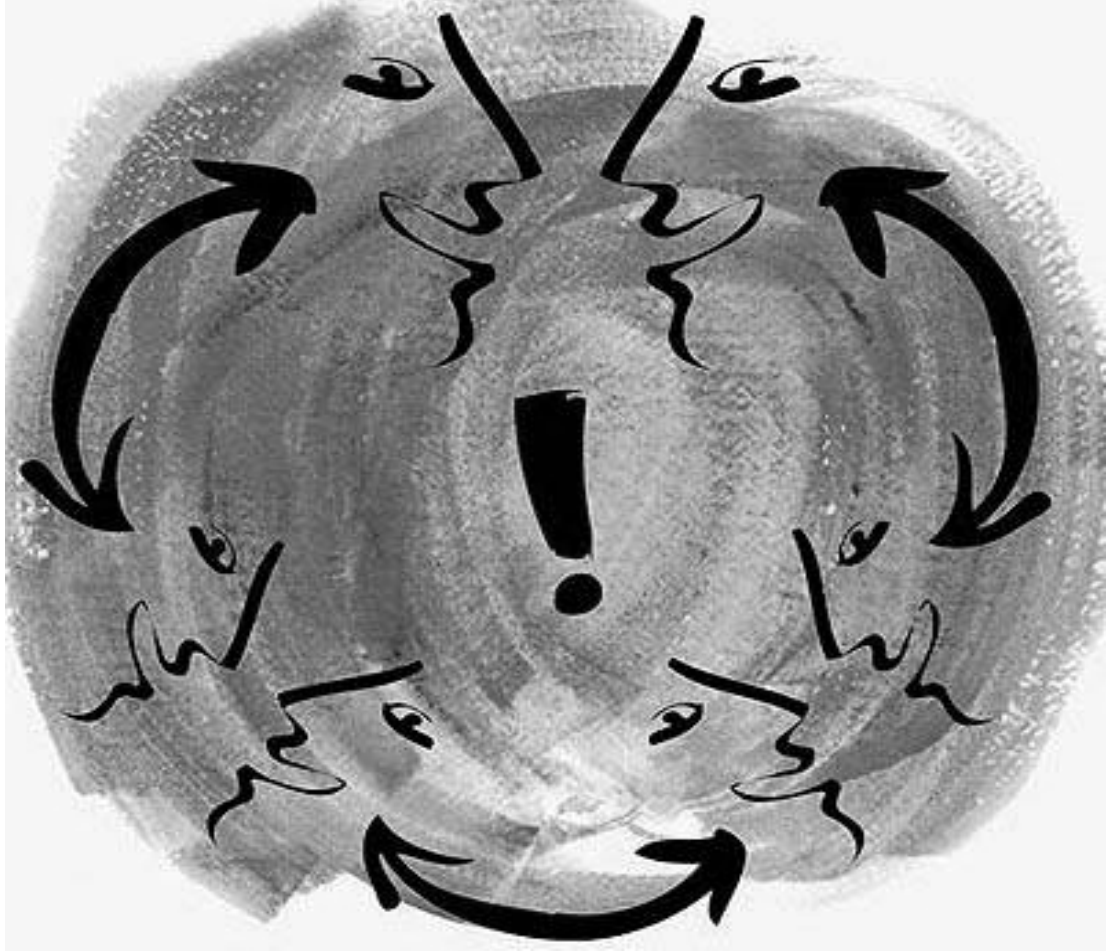


ش ا ی ه



(چيست، چرا، چگونه، کجا، کی
، چه کسی.....؟!)

پژوهشگر: علی غفوری

رئيس اداره جمع آوری و بررسی اخبار

بسمه تعالی

مقدمه

گوش شنیدن شایعات را همگان داریم، معمولاً چنین گوشی تیزهم است و هم باز؛ زبان انتقالش را هم داریم و گرچه بارها از شایعات ضربه و آسیب دیده ایم اما گویی بدون شایعه زندگی ما نمیتواند تداوم داشته باشد

شایعه، کوششی جمعی است برای تفسیر یک موقعیت مبهم ولی جذاب. یک مطالعه موردی درباره شایعه نشان می‌دهد وقتی که جمعیتی به چیزی به شدت دل بستگی پیدا می‌کند، شایعه به طور کامل و متنوع تولید می‌شود. "شایعه" عموماً به توضیح یا تبیین‌های تایید نشده‌ای اطلاق می‌شود که به یک موضوع، واقعه یا مساله عمومی مرتبط است و از شخصی به شخص دیگر منتقل می‌گردد. براساس این تعریف شایعه می‌تواند به عنوان یک دانش نوعی، ساده و مجزا که مشکوک است مورد بررسی قرار گیرد. شایعه گونه‌های متفاوتی دارد: شایعه‌های گذشته نگر که اشاره ضمنی به حوادث گذشته دارد و شایعه‌های آینده‌نگر یا پیشگو که از آینده خبر می‌دهد، شایعه‌هایی که برای مبارزه با گروه‌های خاص به طور سازمان یافته منتشر می‌شوند و شایعه‌هایی که ظاهراً خود به خود در شرایط آشفتگی اجتماعی رواج می‌یابد، شایعه‌هایی که نتیجه پرواز بی‌حد و حصر قوه تخیل است و شایعه‌هایی که شامل اخباری با موضوعاتی منطقی و واقعی است. این تفاوت‌ها ما را ملزم می‌سازد به تعریف و طبقه‌بندی شایعه‌ها و جایگاهشان در حوزه رفتار جمعی. شایعه، خبر یا اطلاعاتی غیر موثق است که مبتنی بر مشهورات یا قول اجماع است یعنی اعتبار خود را از تواتر و شیوع خود می‌گیرد یعنی از هر کس پیرسیم که علت صحت این خبر چیست، پاسخ می‌دهد "چون همه می‌گویند پس صحت دارد." شونده نیز برای پذیرش آن مطلب کمتر به دنبال دلیل و مدرک واقعی است، بلکه به شیوع و تواتر آن بسنده می‌کند. می‌گویند: شایعه چون آب دریاست یعنی هرچه نوشیده شود، بیشتر ایجاد عطش می‌کند. چرا که معمولاً شایعه ایجاد ترس و نگرانی در جامعه می‌نماید و مردم به علت عدم دسترسی به اطلاعات دقیق به آن پناه می‌برند و آن را دهان به دهان نقل می‌کنند و گاه بر آن می‌افزایند. در دوران انقلاب اسلامی مردم ایران شایعات فراوانی را شنیده‌اند و آسیب‌های فراوانی از توپخانه‌های تبلیغاتی دشمن متحمل شده‌اند. از شایعه رویت تصویر حضرت امام (ره) در کره ماه گرفته تا شایعه بمباران هسته‌ای ایران یا وقوع زلزله مهیب در تهران و یا شایعه اموال و دارایی‌های آنچنانی مسوولان کشور و امثال آن، افکار عمومی قضاوتش را درباره شایعه تا زمان به ثمر رسیدن تحقیقات جامع و علمی به تعویق نمی‌اندازد. خیلی سریع باید این شکاف ترمیم شود و هیجان به سرعت تسکین یابد بنابراین لازم است تبیین‌ها بدون معطلی ارائه شود."

- شایعه واژه‌ای عربی و از ریشه شیع می‌باشد که به معنای تقویت و انتشار چیزی است .

- کلمه شایعه وقتی بکار می‌رود که خبری نقل و تقویت گردد. شایعه اصطلاحاً به معنای پخش اخبار بی اساس و باطل می‌باشد.

شایعه عامل تشنج در جامعه می‌باشد.

پدیده شایعه کم و بیش در همه جوامع رواج دارد، اما در جامعه‌ای که مردم با فقر اطلاع‌رسانی سریع و صحیح و دقیق مواجه‌اند، در بین گروه‌ها و جمعیت‌هایی که به لحاظ ساده‌اندیشی و زود باوری تأثیرپذیری بیشتری دارند متداولتر است.

شایعات با توجه به ماهیت و قدرت تأثیر گذاری آن می‌تواند اضطراب اجتماعی را افزایش داده، میزان بهره‌وری و تولید را کاهش دهد و چرخه اقتصاد را فلج نموده، اعتبار اجتماعی افراد، سازمان، مؤسسات و کشورها را خدشه‌دار نماید و بی‌اعتمادی و بدبینی و سوءظن و سستی باورها را نسبت به سلامت اشخاص و واقعیت‌ها و پدیده‌های مختلف جامعه رواج دهد. از نظر اغلب جامعه‌شناسان، شایعات، اطلاعات مبالغه‌آمیز، نادرست و غیر منطقی است که از فردی به افراد دیگر به صورت سلسله‌وار منتقل می‌شود و بیش‌تر این شایعات را افراد ساده‌اندیش و سطحی‌نگر عمدتاً در شرایط و موقعیت‌های اجتماعی نامطلوب منتشر می‌کنند. شکی نیست که گاهی در شایعات ممکن است رگه‌هایی از حقایق مستور باشد. شایعه عمدتاً مربوط به وقایع و رویدادهای مهم اشخاص مشهور، مسئولان، مردم، سازمانها و نهادها است.

شایعات اعم از این که به ظاهر مثبت یا منفی باشند، هدفی جز تخریب روانی و افشاندن تخم بی‌اعتمادی به همراه ندارد. برای اینکه در زندگی روزمره خود متوجه باشیم که به شایعه گوش می‌دهیم یا اخبار و اطلاعات واقعی را دریافت می‌کنیم. باید همواره به جست و جوی دلایل منطقی معیارهای عقلانی و شواهد معتبر برخیزیم بنابراین سرچشمه شایعات و اخبار ساختگی همواره نامعین و پنهان است. شایعه در موقعیت‌هایی رواج می‌یابد که مردم مشتاق خبر باشند ولی نتوانند آن را از منابع موثق دریافت کنند.

- شایعه و تاثیر آن بر افکار عمومی

وقایع و حوادث مبهمی که اخبار و اطلاعات موثق، دقیق و درستی در مورد آن وجود ندارد، یا اطلاعات ناقص و بعضاً متناقض از آن در جامعه جریان پیدا می‌کند، زمینه شکل‌گیری یک جریان خبری تخریب‌کننده، نادرست و غیر واقعی به نام "نام شایعه را فراهم می‌کند. حوادث طبیعی و غیر مترقبه‌ای چون زلزله که هم به اندازه کافی وحشتناک و هراس‌آور و فراگیر و هم از نظر علمی غیرقابل پیش‌بینی است می‌تواند زمینه‌های قدرت گرفتن رسانه شایعه را فراهم کند.

شایعات با توجه به ماهیت و قدرت تأثیر گذاری آن می‌تواند اضطراب اجتماعی را افزایش داده، میزان بهره‌وری و تولید را کاهش دهد و چرخه اقتصاد را فلج نموده، اعتبار اجتماعی افراد، سازمان، مؤسسات و کشورها را خدشه‌دار نماید و بی‌اعتمادی و بدبینی و سوءظن و سستی باورها را نسبت به سلامت اشخاص و واقعیت‌ها و پدیده‌های مختلف جامعه رواج دهد. از نظر اغلب جامعه‌شناسان، شایعات، اطلاعات مبالغه‌آمیز، نادرست و غیر منطقی است که از فردی به افراد دیگر به صورت سلسله‌وار منتقل می‌شود و بیش‌تر این شایعات را افراد ساده‌اندیش و سطحی‌نگر عمدتاً در شرایط و موقعیت‌های اجتماعی

نامطلوب منتشر می‌کنند.. شکی نیست که گاهی در شایعات ممکن است رگه‌هایی از حقایق مستور باشد. شایعه عمدتاً مربوط به وقایع و رویدادهای مهم اشخاص مشهور، مسئولان، مردم، سازمانها و نهادها است. شایعات اعم از این که به ظاهر مثبت یا منفی باشند، هدفی جز تخریب روانی و افشاندن تخم بی‌اعتمادی به همراه ندارد. برای اینکه در زندگی روزمره خود متوجه باشیم که به شایعه گوش می‌دهیم یا اخبار و اطلاعات واقعی را دریافت می‌کنیم. باید همواره به جست و جوی دلایل منطقی معیارهای عقلانی و شواهد معتبر برخیزیم بنابراین سرچشمه شایعات و اخبار ساختگی همواره نامعین و پنهان است. شایعه در موقعیتهایی رواج می‌یابد که مردم مشتاق خبر باشند ولی نتوانند آن را از منابع موثق دریافت کنند.

- علل بروز شایعه

در انتخابات، برای فشار بر رقبای حاکم، در دوران بی‌خبری، در دوران ابهام در اخبار، در زمان کم‌اطلاعی، برای تخریب دشمن، برای تقویت روحیه همسنگران و برای تخریب روحیه دشمنان شایعات به حرکت می‌افتند. تایید و تاکید صاحب‌نظران این است که شایعه در شرایطی بروز می‌کند که درباره موضوعی که برای اکثریت مخاطبان افکار عمومی مهم است. اما درباره آن اطلاعات وجود ندارد اطلاعات موجود مبهم، ناقص و ناکافی است. ابهام + اهمیت = شایعه هرگاه مسأله‌ای مهم در جامعه باشد و یا بروز کند، اما نسبت به آنها ابهام و پوشیدگی ایجاد شود و اخبار آن به درستی و صادقانه مطرح نشود، اهمیت و ابهام افکار عمومی را وادار می‌کند که جوینده حقیقت و اطلاعات باشند، سپس فرصتی ایجاد می‌شود تا فرصت‌طلبان و عنادورزان از آن بهره‌گیرند، لذا به طور عمده علت شایعه بی‌اطلاعی مردمان از وقایع ملموس است علاوه بر اینکه در همه بحران‌ها شایعه وجود دارد یا بوجود می‌آید. 4. راه مقابله با شایعه "راه مقابله با شایعه عبارتند از:

- پیشگیری

پیشگیری: قبل از شیوع هر شایعه‌ای باید خطرات و پیامدهای شایعه را برای مردم تشریح کرد. شایعه وبای خطرناکی است که به شدت و سرعت از یکی به دیگری منتقل می‌شود. و افراد، گروه‌ها، جوامع و حتی کشورهای مختلف را تحت تاثیر شگرف خود قرار می‌دهد. در آیات و احادیث متعدد هم نسبت به انجام غیبت، داشتن سوء ظن و پرگویی هشدار داده شده‌است. پس در جامعه اسلامی مردم باید به دنبال حرف و مطلب مستند و موثق باشند. روزنامه‌ها نیز از درج اخبار بدون منبع و به نقل از "محافل خبری" یا "افراد مطلع" باید خودداری نمایند تا جامعه از خطر شایعه مصون ماند. 2- درمان: چنانچه شایعه‌ای فراگیر شد، باید اقدامات ذیل به عمل آید: 1-2 شناسایی منابع و افراد شایعه‌ساز. 2-2 بی‌اعتبار کردن منبع و کشف هویت آنان برای مردم. 3-2 دادن اطلاعات صحیح به مردمی که تحت تاثیر شایعه قرار گرفته‌اند (جامعه هدف). 4-2 نادیده انگاشتن شایعات ضعیف و پاسخ غیرمستقیم به آن. مثلاً نشان دادن تصویر زنده فردی که شایعه قتل وی منتشر شده‌است. 5-2 پاسخ شایعه با شایعه (که در جنگ‌های روانی علیه دشمن به کار بسته می‌شود).

روان‌شناسی شایعه

مطالعات روان‌شناسی نشان می‌دهد که افکار عمومی بر انسان تاثیر می‌گذارد. در اینجا من صرفاً عکس‌العمل فرد در مقابل دیگر اعضای گروه را به ویژه در موقعیتی که به لحاظ اجتماعی مهم است - در نظر می‌گیرم. دکتر برنارد هارت وجود یک گروه یا ذهن جمعی را در مطالعه جالبش در مورد روان‌شناسی شایعه، به صراحت رد کرد و بیان نمود ما یک روان‌شناسی اجتماعی و یک روان‌شناسی فردی نداریم. روان‌شناسی اجتماعی همان روان‌شناسی یک فرد در محیط ویژه - یعنی در حضور دیگر افراد گروه است. به هر حال تجربه شخصی من درباره وضعیت اجتماعی شایعاتی که در طول زلزله منتشر شد، مرا به این نظر راهنمایی کرد که یک قسم ذهن گروهی که تعیین‌کننده افکار و فعالیت‌های فردی به طرق گوناگون است، وجود دارد. دکتر هارت سعی می‌کند پدیده شایعه را به وسیله بررسی ابهامات تبیین کند. البته واژه ابهام را در معنای وسیع و نسبتاً عمومی آن استفاده می‌کند. او معتقد است شایعه یک پدیده اجتماعی است، اما فرد در ارزیابی‌اش عامل اجتماعی خاصی را که در انتشار شایعه موثر باشد، نمی‌یابد. به نظر من اگر بحث به صورت زیر ارائه می‌گردد بهتر است اولاً ماهیت شرایطی که شایعه به عنوان عکس‌العملی در برابر آن عمل می‌کند بررسی گردد، ثانیاً خصایص خود این واکنش مورد بحث قرار گیرد، ثالثاً عواملی که ماهیت و خصایص این واکنش، یعنی عوامل تعیین‌کننده این واکنش را تعیین می‌کند مورد بررسی قرار گیرد. من ادعا نمی‌کنم که مباحثم دقیق است، ولی سعی می‌کنم فقط نکات اصلی و آشکارتر را بیان کنم. "شرایطی که باعث می‌شود شایعه منتشر گردد" شرایط نوعی و مثالی که به انتشار شایعه کمک می‌کند شامل موارد ذیل است:

الف - شرایطی که در آن یک اختلال احساسی و هیجانی بوجود آید.

ب - شرایط اختصاصی و غیرمتداول باشد.

ج - افراد در آن شرایط با مسائل ناشناخته‌ای مواجه شوند.

د - شرایط، عوامل ناشناخته‌ای را در بر گیرد.

ه - شرایط به یک گروه ذینفع مرتبط باشد

- مفهوم شایعه و ویژگی های آن

شایعه خبری از نوع ابتدایی‌ترین خبرهاست که بر پایه هیاهویی بی اساس پدید می‌آید. شایعه انتقال پیام و خبر از طریق شفاهی است بی آنکه منبع آن شناخته شود بنابراین خبری است از هر جهت غیر دقیق، ناموثق و ناقص. از نقطه نظر مذهبی شایعه معمولاً مجموعه‌ای از غیبت، بهتان، استزها و گاه دشنام است که

بر اساس نص صریح احکام اسلامی تصدیق هر یک از موارد فوق و یا سکوت و عدم مقابله با شایعه در حقیقت نوعی مشارکت در جرم و دوستی با مجرم اولیه و از گناهان کبیره محسوب می شود.

شایعه بیان نگرانی ها و اضطراب های بخشی از مردم در برابر فریب اطلاعاتی است. شایعه در ردیف

پیامهایی است که برای تحریک هیجانی، ترس را فریاد می کشد. شایعه کسی را قانع نمی کند، چیزی را به زبان می آورد که عموم حاضرند آن را باور کنند. شایعه گرچه با شواهد پشتیبانی نمی شود با این حال گسترش می یابد، چون مردمی که آن را می شنوند بازگو می کنند. فرد فقط وقتی شایعه را تکرار می کند که بعضی از نیازهای او بدین وسیله برآورده شود. هنگامی که شایعه به سرعت و در سطح گسترده ای منتشر می شود بدین معنی که در میان مردمی که آن را تکرار می کنند نفرت، ترس و یا امید گسترش یافته است. حتی مردمی که به شایعه اعتقاد ندارند آنرا بازگو می کنند زیرا بدین وسیله، امکانی برای بروز هیجانات خود که در غیر این صورت باید سرکوب شود پیدا می کنند.

بر اساس پژوهش های انجام شده در شایعات از هر نوع که باشد دو فرآیند آشکار وجود دارد:

1- فرآیند تعدیل (به جزئیات تبدیل شدن) که معنا آن تحویل و تبدیل به جزئیات است.

2- برجسته سازی است که این امر در مواردی آشکار می شود که اگر جزئیات خاصی از بین برود بر روی جزئیات دیگر تاکید بیشتری به عمل می آید. وقتی داستانی در محله یا شهری به صورت شایعه انتشار یافت، در جریان انتقال خود از فردی به فرد دیگر دچار دگرگونی و تغییرات اساسی می شود و در پایان به شکلی بازگو می گردد که هیچ گونه شباهتی به اصل داستان نداشته و بدین ترتیب هدف داستانسرای شایعه ساز تحقق نمی یابد. در فرآیند برجسته سازی بخشی از محتوای داستان نسبت به بخش دیگر بزرگتر می شود و مورد تاکید بیشتری قرار می گیرد.

می توان افسانه ها را به عنوان شایعه استحکام یافته تعریف کنیم. افسانه خبر شنیده ای است که از دوامی غیر معمول برخوردار است و در پی مسابقه ای از تحریف و دگرگونی دیگر در اثر انتقال از یک نسل به نسل دیگر تغییر نمی یابد. شایعه در گذشته باقی نمی ماند، فاصله زمان و مکان را بر می دارد و آهنگ و ریتم جدیدی به خود می گیرد. فرآیند جدا ماندن شایعه منطقی است. بتدریج که از واقعه دور می شویم شایعه مانند هر چیز دیگر ارزش خود را از دست می دهد.

ویژگیهای شایعه عبارتند از:

1- منبع نامشخص

2- مخاطبان نا همگون و پراکنده

3- مجراهای انتقال رسمی و غیر رسمی

4- شبکه های پخش ناپایدار و زودگذر

5- سرعت شگفت انگیز

6- محتوای تازه و به روز

7- بده بستان جمعی

- 8- هزینه اندک
- 9- قابلیت پذیرش بسیار
- 10- ناموثق ترین نوع خبر
- 11- ابزاری برای مقابله با محرومیت
- 12- قابلیت کنترل بسیار دشوار
- 13- نوعی فرافکنی
- 14- تولید ساده
- 15- بازتاب غیرقابل پیش بینی
- 16- مبارزه با آن پیچیده است.
- 17- بدون هرگونه احساس گناه

- انواع شایعه

- 1- شایعات - ترس: بخشی از شایعات به منظور ایجاد ترس و وحشت و نگرانی در جامعه تولید و پخش می‌شوند. مثلاً در سال 1370هـ.ش. شایعه‌ای در شهرها و روستاهای دور افتاده هند رواج یافت که: “باندهای خاصی برای ربودن بچه‌ها از خیابانها به وجود آمده است”. ضمناً شایع شد که منظور از این اقدام، فروش بچه‌ها به بانکهای خون یا فروش اعضای بدن آنها و به کارگیری آنها در باندهای دزدی و گدایی است. در پی رواج این شایعه در دل پدران و مادران ترس عجیبی مستولی شد، تا آنجا که علی‌رغم انکار رسمی موضوع از سوی مسئولان امر ولی آنها از اعزام فرزندان خود به مدارس اجتناب ورزیدند. ضمناً افراد زیادی به تهمت بچه‌دزدی و بدون هیچ محاکمه و تحقیقی توسط مردم اعدام شدند.
- 2) شایعه - بدبینی: منظور از شایعه ترویج بدبینی و آزار و اذیت نسبت به اشخاص یا گروه‌های محبوب یا مقتدر در جامعه است. مثلاً: شایعاتی که علیه پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله در صدر اسلام منتشر می‌شد و نسبت شاعر بودن به آن حضرت می‌دادند (سوره یاسین: آیه 69). همچنین شایعه جنگ قدرت در ایران که بارها از سوی دشمنان انقلاب مطرح شده است. مثلاً در سال 1372 شایعاتی مبنی بر حمله به منزل حضرت امام (ره) و کشته شدن 20 نفر در بیت ایشان در غرب انتشار یافت که علت آن را نزاع بر سر کسب قدرت بین رهبران کشور ذکر کردند! البته روزنامه واشنگتن تایمز در 19/3/93 منبع این خبر را دفتر ابوالحسن بنی‌صدر در پاریس اعلام کرد و با استناد به پخش سخنانی حضرت امام (ره) از تلویزیون به تکذیب آن پرداخت.
- 3) شایعه تفرقه‌افکن: این شایعه بر مبنای اصل “تفرقه بیانداز و حکومت کن” یا “فرق تسد” استوار است. و با هدف ایجاد اختلاف در بین فرمانده و سربازان و یا بین دو همسر یادو طایفه و گروه و امثال آن تولید و پخش می‌شود. مثلاً: پس از اشغال منطقه غزه توسط صهیونیست‌ها در سال

1366 شایع شد که مسیحیان از حاکمان اشغالگر خواسته‌اند که مسجد بزرگ غزه به کلیسا تبدیل شود. هدف از این شایعه ایجاد شکاف در وحدت ملی فلسطینیان از طریق تحریک احساسات دینی بود.

4) شایعه فریب: این شایعه همچون پرده‌ای از دود است که برای پنهان‌سازی اهداف واقعی دشمن استفاده می‌شود

5) شایعه اقتصادی: هدف از شایعه ایجاد حالتی از نگرانی و ترس در بازار مالی یا اوضاع اقتصادی کشور به ویژه در زمان بحرانها و جنگهاست. مثلا: در آمریکا شایعاتی پیرامون تولیدات رستورانهای مک دونالد ظاهر شد که می‌گفت: این رستورانها به محتوای ساندویچ‌های خود کرمهایی اضافه می‌کند تا پروتئین آنها افزایش یابد. در پی این شایعه تعداد زیادی از مردم به علت سلامتی خود از خرید این تولیدات خودداری کردند و مدیریت این رستورانها را مجبور به صرف هزاران دلار نمود تا بر این شایعه ویرانگر سیطره یابد.

6- شایعه ناموسی: این شایعه در پی جدایی بین زن و شوهر و هتک حرمت افراد از طریق بدنام کردن یکی از همسران است که به آن قذف گفته می‌شود. مثلا حادثه افک که در آیات 10-20 سوره نور نقل شده است در خصوص یکی از این شایعات است. در شان نزول این آیات مفسران گفته‌اند که یکی از همسران پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله مورد تهمت ناموسی قرار می‌گیرد (در برخی کتابها نام این زن را ماریه قبطیه و در کتب اهل سنت عایشه ذکر کرده‌اند). مسلمانان از این مساله سخت ناراحت می‌شوند تا آن که این آیات نازل می‌شود. در این آیات مومنانی که فریب این تهمت را خورده و تحت تاثیر قرار گرفتند، مورد سرزنش واقع می‌شوند و خداوند متعال می‌فرماید: چرا هنگامی که این (تهمت) را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خود (وکسی که همچون خود آنها بود) گمان خیر نبردند؟ چرا نگفتید که این دروغی بزرگ و آشکار است؟ چرا چهار شاهد برای آن نیاوردند؟ اکنون که چنین گواهانی نیاوردند، آنان در پیشگاه خدا دروغگو هستند. 9

- علل شایعه در گذشته و حال

- 1- وجود یک رخداد مهم در جامعه
- 2- وجود ابهام در موضوع مورد نظر که این امر می‌تواند ناشی از عدم وجود اخبار موثق در مورد یک حادثه مهم باشد. این در جوامعی اتفاق می‌افتد که سیستم انتقال اخبار و اطلاعات در اثر وجود سانسور فعالیت درستی نداشته باشد.
- 3- ارضای نیاز و محرومیت. در واقع می‌توانیم بگوییم که شایعه نوعی مکانیسم جبرانی کاذب ناکامی و سرخوردگی است که شایعه پردازان از طریق آن بسیاری از نیازهای درونی خود را به بیرون منعکس می‌کنند و بدین ترتیب از شدت فشارهای درونی خود کاسته و در کوتاه مدت به آرامش نسبی می‌رسند.

- توجیه شایعه پردازان

- 1- ایجاد بدبینی نسبت به مسوولان یک جامعه یا یک سازمان

2- افزایش اضطراب و نگرانی در مردم

3- ترور شخصیت

4- ایجاد فضای ناسالم اداری و اجتماعی

5- ایجاد تقابل و صف بندی میان قشرهای مختلف مردم ویا مردم ومسئولین

6- ایجاد وجاهت اجتماعی :

در مواردی شایعه به انتقال دهنده نوعی اعتبار می بخشد و او را هر چند به صورت ظاهری و موقتی صاحب موقعیت اجتماعی می کند زیرا با اینکه هیچ کسی نمی داند منبع اولیه پیام چه کسی بوده با این حال انتقال دهنده شایعه چنین وانمود می کند که خبر را خود از یک منبع مهم و با نفوذ کسب کرده است .

7- اطمینان آفرینی و حمایت عاطفی :

بازگو کردن شایعه ممکن است تنش گوینده را با شریک کردن دیگران در تحمل آن کاهش دهد .

8- فرافکنی :

فرد ممکن است بدین سبب شایعه را بازگو کند که بخواهد از ترس ها، آرزوها و خصومت هایی که احتمالا از وجود آنها در خود آگاه نیست رهایی یابد .

9- پرخاشگری :

ممکن است فرد به منظور صدمه زدن به افراد دیگر شایعه را انتقال دهد. شاید او قصد تهمت زدن، غیبت کردن و سپربلا قرار دادن دیگران را داشته باشد.

10- پیشکش کردن مطالب خوشایند :

شایعه ممکن است به منظور خود شیرینی نزد شنونده و یا ارائه اخبار خوشایند بازگو شود.

- زمینه پذیرش و سرعت انجام شایعه

در آمادگی پذیرش شایعه تفاوت های فردی و اجتماعی و فرهنگی دخالت دارند. افرادی که از لحاظ اعتماد به نفس در سطح پایین تری قرار دارند و همچنین افراد کم سواد که از حوادث و اتفاقات پیرامونی خود بی خبرند، بیشتر تحت تاثیر شایعه قرار می گیرند. افرادی که از سلامت روانی بیشتری برخوردارند نسبت به افرادی که فاقد این ویژگی هستند کمتر شایعات را می پذیرند. یک شایعه سرعت چشمگیری دارد، شایعات به دلیل گیرایی و کششی که دارند همواره سریع تر از خود شایعه ساز و با سرعتی باورنکردنی در جامعه حرکت می کنند.

- چگونگی خنثی سازی و مبارزه با شایعه

همواره اولین اندیشه وانتظار نهادها و افراد ذریب در ارتباط با اخبار نادرست وشایعات بی اساس که نسبتا فراگیر شده قبل از هر چیز خنثی نمودن آن است. برای مقابله با شایعه ای که به طور قابل ملاحظه ای در جامعه گسترش یافته و برای تلاش در کاهش نیرو و دامنه تخریب آن می توان به شیوه های زیر عمل نمود:

1- بی توجهی به شایعات ضعیف وعدم تکرار شایعه

2- حضور مسوولان در میان مردم وبرگزاری جلسات حضوری وگفت وشنودصمیمی

3- پرهیز از شعارهای بدون عمل

4-ارایه به موقع خبر و پرهیز از وجود سانسور در اطلاع رسانی

5-ارایه یک تحلیل و جمع بندی مشخص از شرایط حاکم بر کشور و در میان گذاشتن واقعیات و مشکلات با مردم .

6-تایید حقایق

7-اقدامات قانونی

«شایعه عبارت است از یک گزاره (موضوع) خاص و گمانی که ملاکهای اطمینان بخش رسیدگی در وجود نداشته باشد؛ که معمولاً به صورت شفاهی از فردی به فرد دیگر انتقال می‌یابد». در علم ارتباطات، شایعه را گفتارهای غیر رسمی و نامعتبر و در نتیجه نهایی اطلاعات و ارسالی نشده می‌دانند که در چند مرحله در چارچوب نظام ارتباطی پروراندده شده است و از آنجایی که اطلاعات در هر مرحله دست به دست شده است، اغلب تحریفاتی در آنها صورت می‌گیرد. ممکن است بعد از چندین

بار تحریف، محصول نهایی به کلی با آنچه در ابتدای کار منتقل شده متفاوت باشد. «هنگامی که افراد به شدت مشتاق کسب خبر درباره چیزی هستند، اما نمی‌توانند اطلاعات موثقی بدست آورند، مستعد پذیرش شایعه‌ها می‌شوند. اگر پیشداوریهای افراد (در تأیید یا نفرت)، چنین شایعه‌هایی را توجیه کنند، احتمال گسترش بیشتری دارند».

«به نظر می‌رسد که دو شرط "اهمیت" و "ابهام" در انتقال شایعه، قانون اصلی شایعه را توضیح دهد. بدین معنا که فرمول حدت و شدت شایعه را می‌توان به این صورت تعریف کرد: میزان رواج شایعه تقریباً برابر است با حاصلضرب اهمیت در ابهام موضوع مطروحه در آن شایعه». به بیان واضح‌تر، میزان رواج شایعه برابر اهمیت موضوع برای فرد و میزان ابهامی که در آن موضوع برای مخاطب وجود دارد؛ برای مثال در اغراض احساسی، عواطف توسط شایعه توجیه و معقول جلوه داده می‌شود. شایعات اغلب در یک وضعیت بحرانی (عاطفی، سیاسی و...) برای کاهش فشارها و اغتشاشات ذهنی است. شایعات اشکال مختلفی دارند برخی کوتاه و برخی دیگر بسیار معضل‌ترند.

بعضی شایعات در گروه کوچکی از افراد و برخی در سطح جامعه مطرح هستند. زمانی که هیجانانگیز، شدت بیشتری به خود می‌گیرند، تعداد افرادی که به زنجیره شایعه می‌پیوندند افزایش می‌یابد. از آنجایی که مردم معمولاً به هنگام مواجهه با شایعه آن را به عنوان «یک شایعه» تشخیص نمی‌دهند، به ندرت از باور کردن آن روبرو می‌تابند.

- خصوصیات افراد شایعه‌گو ، شایعه جو و شایعه پذیر :

1 - ساده لوحی و زود باوری

2 - نا امنی و زود برانگیختگی

3 - پرگویی و گزافه گویی.

4 - دروغگویی و غیبت

5 - عدم اعتماد به نفس.

6 - خود توجهی و کژاندیشی.

- مخاطبان شایعه

اندیشمندان ارتباطات، مخاطبان شایعه را چند دسته عنوان می‌کنند:

دسته اول به جای آنکه پیام را به وقت پردازش کنند یا در مورد صحت و ستم آن جستجو کنند، عین آنچه را که شنیده‌اند به سایرین منتقل می‌کنند و طبیعی است که به علت دقت ناکافی، فراموشی، هیجان و ... تا حدی در آن دخل و تصرف نیز صورت می‌گیرد؛

دسته دوم صلاحیت لازم برای درک موضوع مطرح شده به صورت شایعه را ندارند، اما متکی بر آراء صاحب‌نظران هستند و سعی در آگاهی از حقیقت موضوع دارند؛

دسته سوم افرادی هستند که از شایعات به شدت استقبال می‌کنند و خود را هم‌رنگ افرادی که شایعه‌پراکن هستند، جلوه می‌دهند و خود نیز از شایعه‌سازی دریغ نمی‌ورزند؛

دسته چهارم انسانهای آگاهی هستند که نه تنها به سادگی هر مطلبی را نمی‌پذیرند؛ بلکه تلاش در مبارزه با شایعه‌پراکنی و پیشگیری از آن دارند.

- راه حل مقابله با شایعه

راه‌حلهایی که برای مقابله با شایعه از جانب اندیشمندان ارتباطات پیشنهاد شده عبارتند از:

- 1- در سطح ملی، آگاه نگاه داشتن مردم نسبت به رویدادهای اجتماعی، اطلاع‌رسانی سریع و صحیح که این امر زمینه اعتماد متقابل بین دولت و ملت را فراهم ساخته و منبع موثق اخبار اجتماعی از سوی دولت زمینه بسیاری از سوء تفاهات و اخبار نادرست را از بین می‌برد.
- 2- سفارش در زدودن نگرانی‌های اضطراب‌های عمومی، گام مؤثری در پیشگیری از شایعات است گفته می‌شود که شایعات هنگام بهبود نسبی اوضاع، کمتر زمینه بروز و ظهور پیدا می‌کند.
- 3- تعمیق بینش مردم و افزایش بصیرت افراد با اجرای برنامه‌سازی و آموزش همگانی راهبردی برای شناسایی ماهیت شایعه و تقویت توانایی افراد در سنجش صحت و سقم قیام‌ها می‌باشد. پرورش تفکر منطقی در آحاد جامعه و تعالی اخلاق دینی، راهکاری مناسب برای پیشگیری از شایعه‌سازی است.

برخی دیگر معتقدند شایعه تنها یک امر مذموم نیست بلکه در برخی مواقع کارکرد دارد و از واقعیاتی دم می‌زند که صراحتاً گفته نمی‌شود. رسانه‌های گروهی در بسیاری مواقع به دلیل مصلحت نسبی از بیان برخی واقعیات خودداری می‌کنند که در این مواقع شایعه کارکرد پیدا می‌کند. اما در این مواقع نیز جستجو برای دریافت منبع و فرستنده پیام ضروری به نظر می‌رسد.

- دستور قرآن برای مقابله با شایعه

افکار عمومی و مهندسی آن، همیشه و همه جا و برای همه نظام‌های سیاسی اجتماعی اهمیت داشته است. امروز نیز با گسترش خیره‌کننده ابزارهای ارتباطی و ظهور پدیده استثنایی فضای مجازی (اینترنت) این امر اهمیتی مضاعف یافته است. پدیده‌ای با این اهمیت و با این درجه از حساسیت که امروزه نبرد برای تصاحب این عرصه به «جنگ نرم» تعبیر می‌شود، نمی‌تواند در قرآن کریم، کتاب هدایت و سعادت

انسان ها مغفول واقع شده باشد. زیرا به اعتقاد ما هیچ موضوعی نیست که نقشی در هدایت انسان ها داشته باشد مگر این که قرآن از آن سخن گفته است. مگر می شود کتابی که برای جامعه سازی و انسان سازی نازل شده است، مهندسی افکار عمومی و چارچوب های نظام ارتباطات جمعی صحیح در آن نادیده گرفته شده باشد؟! آیا می شود در جامعه ایمانی که همواره با فتنه ها و امتحانات روبه رو است و شیاطین داخلی و خارجی به طور دائم درصدد فتنه افکنی و توطئه هستند، قرآن کریم، آموزه های بصیرت زا و دستورهای روشنی بخش ارائه نکرده و مومنان را در گرداب ضلالت و فتنه به حال خود رها کرده باشد؟! به یقین چنین تصویری از ساحت مقدس کتاب هدایت و حکمت «قرآن» به دور است. قرآن کریم برای ترسیم صراط مستقیم در زمینه ارتباطات، اطلاع رسانی و مهندسی افکار عمومی، علاوه بر این که در آیه ای به صراحت مؤمنان را از پیروی غیر علم و یقین منع می کند و می فرماید: «ولا تقف مایس لک به علم ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسؤلوا: و از چیزی که به آن علم نداری پیروی مکن، زیرا گوش و چشم و دل (که ابزار علم و معرفت هستند) همه مورد سوال قرار خواهند گرفت»، (اسراء/36) در آیه 6 سوره حجرات هم می فرماید: «ان جائکم فاسق بنبا فتیینوا... ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر شخص فاسقی برای شما خبری آورده درباره آن تحقیق کنید» در این آیه مومنان را از پذیرش خبر از فاسقان بدون پرس و جو از صحت و درستی آن، منع می کند و به آنان دستور تحقیق و تفحص میدهد. علاوه بر این قرآن با شایعه پراکنی هم به شدت برخورد کرده است. یکی از آسیبهایی که جوامع به ویژه جامعه های دینی با آن بیشتر روبه رو میشود، شایعه پراکنی و انتشار اخبار نادرست و خلاف واقع یا اخباری است که نصف آن واقعی و نصف دیگر آن غیر واقعی است. قرآن کریم نیز در واقعه ای که نزد مفسدان به داستان "افک" معروف است، طی چندین آیه نحوه برخورد با شایعه پراکنی را بیان کرده است. داستان افک که به گفته آیت ا... مکارم شیرازی به هدف منحرف کردن اذهان عمومی و مشوش کردن جامعه از سوی منافقین صورت گرفت، در سوره نور آیه 19 مطرح است. خداوند در این آیه می فرماید "کسانی که آن تهمت عظیم را مطرح کردند گروهی از شما بودند، اما گمان نکنید این ماجرا برای شما بداست، بلکه خیر شما در آن است، آنها هر کدام سهم خود را از این گناهی که مرتکب شدند دارند، و کسی که بخش عظیم آن را بر عهده گرفت عذاب عظیمی برای اوست.

این آیه و آیات پس از آن، بیانگر شایعه سازی و توطئه جمعی از منافقان مدینه برای آلوده نشان دادن خانواده پیامبر (ص) است که مفسران از آن با عنوان داستان «افک» یاد می کنند. هر چند در مورد شأن نزولی که درباره این آیه ذکر شده است، جای حرف و حدیث فراوانی است و نمی توان آن را به سادگی پذیرفت اما به گفته علامه طباطبایی در المیزان، این نکته مسلم است که «افک» یا همان تهمت بی عفتی که در آیه به آن اشاره شده است، مربوط به یکی از خانواده های رسول خدا (ص) بوده است که در میان مسلمانان منتشر شد و سروصدا به راه انداخت. تفسیر نمونه ج 14 هم در تفسیر این آیه می نویسد: «از مجموع آیات استفاده می شود که شخص بی گناهی را به هنگام نزول این آیات متهم به عمل منافی عفت کرده بودند، و این شایعه در جامعه پخش شده بود و نیز از قرائن موجود در آیه استفاده می شود که این تهمت درباره فردی بوده که از اهمیت ویژه ای در جامعه آن روز برخوردار بوده است.» بنابراین در آیات «افک» چند نکته مسلم است: 1- تهمت

بی عفتی به شخصی زده شده است 2 - شخص مورد اتهام از جایگاه برجسته ای در جامعه برخوردار بوده است 3- این تهمت در جامعه منتشر شده و سروصدا به راه انداخته بود زیرا شخص مورد اتهام جایگاه بالایی در جامعه داشته است 4- شایعه پراکنان و تهمت زندگان عده ای از منافقان بودند که قرآن از آنان با تعبیر عصبه یاد کرده است. این تعبیر به نوشته تفسیر المیزان و نمونه، نشان از ارتباط و تبانی و همکاری و هم فکری متهم کنندگان دارد و به تعبیر امروز نشان دهنده یک حرکت سازمان یافته و جریانی پشت پرده ماجرای "افک" است. علامه طباطبایی در این باره می نویسد: "این تعبیر خود اشاره است به این که در این تهمت توطئه ای در کار بود، مبنی بر این که این دروغ را بتراشند و آن را اشاعه هم بدهند، تا قداست و پاکی رسول خدا(ص) را لکه دار کنند." تفسیر نمونه هم با بیان این که «عصبه» از ماده «عصب» به معنای رشته های مخصوصی است که عضلات انسان را به هم پیوند می دهد و مجموعه آن سلسله اعصاب نامیده می شود، می نویسد: «سپس به جمعیتی که با هم متحدند و پیوند و ارتباط و همکاری و هم فکری دارند، «عصبه» گفته شده است. به کار رفتن این واژه نشان می دهد که توطئه گران در داستان «افک» ارتباط نزدیک و محکمی با هم داشته و شبکه منسجم و نیرومندی را برای توطئه تشکیل می دادند.» 5 - واژه «افک» در اصل به معنای هر چیزی است که از حالت اصلی و طبیعی اش دگرگون و منحرف شود، اما در ادامه برای هر سخنی که انحراف از حق پیدا کند و متمایل به خلاف واقع شود، از جمله دروغ و تهمت، به کار رفته است. تفسیر نمونه از مجمع البیان نقل کرده است که به اعتقاد مرحوم طبرسی: «افک» به هر دروغ ساده ای گفته نمی شود، بلکه در مورد دروغ های بزرگی به کار می رود که مسئله ای را از صورت اصلی اش دگرگون و منحرف کند. بنابراین کلمه «افک» خود بیانگر اهمیت این حادثه و دروغ و تهمتی است که در این زمینه مطرح شده است.» این معنا با توجه به واژه «عصبه» نشان می دهد داستان افک، توطئه ای سیاسی و سهمگین برای تخریب یک شخصیت مقبول و مورد توجه مردم بوده است و نه یک تهمت ساده به شخصی معمولی. زیرا چنان که اشاره شد، توطئه گران، منافق و افراد به ظاهر مسلمانی بودند که با هدف سیاسی آن دروغ را در میان مردم منتشر و جامعه را ملتهب کردند. اساسا توجه جدی قرآن به این موضوع و واکنش خداوند به آن بیانگر اهمیت مسئله و آسیب پذیری جامعه اسلامی در این باره بوده است.

- واکنش قرآن به توطئه شایعه پراکنان

واکنش قرآن به پدیده شایعه پراکنی و توطئه حاوی درس ها و نکته های پندآموزی است که باید در همه دوران ها مورد توجه مومنان قرار گیرد. خداوند در اولین گام تلاش می کند جو التهاب و اضطراب را فرو نشاند از این رو می فرماید: «لا تحسبوه شرالکم بل هو خیر لکم: گمان نکنید این ماجرا برای شما شر بود بلکه برای شما خیر بود.»

در توضیح این که چرا، این ماجرا برای جامعه اسلامی خیر بود، تفسیر نمونه می نویسد: «زیرا که پرده از روی نیات پلید جمعی از دشمنان شکست خورده و منافقان کوردل برداشت و این بدسیرتان خوش ظاهر را رسوا کرد... و چه بسا اگر این حادثه نبود و آن ها هم چنان ناشناخته می ماندند، در آینده ضربه سخت تر و خطرناک تری می زدند.»

تفسیر المیزان، ج 15، هم تعبیری شبیه همین بیان دارد و می گوید: «یکی از سعادت های جامعه صالح آن است که اهل ضلالت و فساد در آن جامعه شناخته شوند، تا جامعه نسبت به وضع آن ها بصیرت پیدا کند و

برای اصلاح این اعضای فاسد دست به اقدام زند. مخصوصاً جامعه دینی که سروکارش با وحی آسمانی است و در هر پیشامدی وحی بر آنان نازل می شود و آنان را موعظه و پند می دهد که چگونه از این پیشامد استفاده کنند و دیگر نسبت به امور خود سهل انگاری و غفلت روا ندارند بلکه در امر دین خود و در هر امر مهم دیگر زندگی شان احتیاط کنند.»

دومین اقدام قرآن آن است که مسئولیت این گناه را متوجه تهمت زندگان و توطئه کنندگان می کند و از مجازات آنان سخن می گوید. گرچه خداوند در ابتدا این ماجرا را به نفع و خیر جامعه می شمارد اما این بدان معنا نیست که توطئه کنندگان از مسئولیت مبرا باشند از این رو می فرماید: «لکل امرء منعم ماکتسب من الاثم: این هایی که دست به چنین گناهی زدند، هر کدام سهم خود را از مسئولیت مجازات خواهند داشت.» آن گاه مسئولیت بزرگتر را متوجه سردمداران این ماجرا می کند و می فرماید: «والذی تولى کبره منعم له عذاب عظیم: کسی که بخش عظیم این گناه را از آن ها بر عهده داشته، عذاب عظیم و دردناکی خواهد داشت.» در حقیقت این جمله بیان می کند کسی که بیش از همه در ماجرای افک دخالت داشته و نخستین شعله های آتش افک را برافروخته و رهبر این گروه محسوب می شود، به تناسب مجازات بزرگتری نیز خواهد داشت. سومین اقدام قرآن در امر مقابله با توطئه افک، سرزنش مومنان است که در این حادثه فریب خوردند و تحت تاثیر واقع شدند. قرآن می فرماید: «لولا اذ سمعتموه ظن المومنون و المومنات بانفسهم خیرا و قالوا هذا افک مبین: چرا هنگامی که این تهمت را شنیدید مردان و زنان با ایمان نسبت به خود گمان خیر نبردند و چرا نگفتید این یک دروغ بزرگ و آشکار است.» تفسیر نمونه در توضیح آیه می نویسد: یعنی چرا هنگامی که سخن منافقان را درباره افراد مومن شنیدید، با حسن ظن نسبت به مومنان دیگر برخورد نکردید؟ شما که سابقه زشت و رسوای منافقان را می دانستید، شما که واقف بودید بر ضد پیامبر(ص) چه توطئه هایی صورت می گیرد؟

این آیه مومنان را به منزله نفس واحد می داند، می فرماید: مومنان باید نسبت به یکدیگر حسن ظن داشته باشند و بدون علم و تحقیق درباره آن گمان بد نبرند. زیرا وقتی که مومنان به منزله «شخص واحد» به شمار می روند اگر به یکی تهمتی وارد شد، مومنان دیگر باید آن اتهام را متوجه خویش بدانند و از برادران و خواهران دینی خود دفاع کنند. در حالی که در ماجرای افک مومنان به جای حسن ظن به برادر دینی خود، گویی به توطئه کنان «افک» حسن ظن داشتند و در قبال آن سکوت کردند. علامه طباطبایی در توضیح: «و قالوا هذا افک مبین» می فرماید: معنایش این است که شما مومنان که شنونده «افک» بودید، نگفتید که این مطلب افک و دروغی است آشکار، با این که بر طبق آموزه های دینی خبری که خبردهنده آن علم بدان ندارد و ادعایی که مدعی آن شاهی بر آن ندارد، محکوم به کذب است. چه این که در واقع هم دروغ باشد و یا آن که در واقع راست باشد. در آیه بعد خداوند متعال خطاب به مومنان می فرماید: «لولا جاءوا علیه باربعه شهداء فاذ لم یاتوا بالشهداء فاولئک عندالله هم الکاذبون: چرا آن ها را موظف به آوردن چهار شاهد نکردید، اکنون که چنین شاهدانی را نیاوردند، آن ها نزد خداوند دروغگویانند.» در حقیقت خداوند دستور آوردن شاهد را که در آیات قبل نازل شده است به مومنان یادآور می شود و می فرماید: چرا از آن دستور غفلت کردند. در آیه بعد خداوند، فضل و رحمت خود بر مومنان را یادآور می شود و می فرماید: اگر فضل و رحمت خدا در دنیا و آخرت شامل حال شما نبود، عذاب بزرگی دامانتان را می گرفت. در آیات بعد

خداوند به آسیب شناسی این واقعه می پردازد و می فرماید: «اذ تلقونه بالسنتکم و تقولون بافوا حکم مالیس لکم به علم: به خاطر بیاورید هنگامی را که به استقبال این دروغ بزرگ می رفتید و این شایعه را از زبان یکدیگر می گرفتید و با دهان خود سخن می گفتید که به آن علم و یقین نداشتید و گمان می کردید که این مسئله کوچکی است در حالی که نزد خدا بزرگ است.» این آیه به سه آسیب جامعه نبوی در زمینه شایعه اشاره می کند: 1 - پذیرش شایعه و به استقبال آن رفتن 2 - انتشار شایعه بدون تحقیق و پرس و جو 3 - کوچک شمردن آن تهمت (شایعه) در حالی که با حیثیت و آبروی جامعه اسلامی گره خورده بود. قرآن کریم پس از این آیات، آیه نهی از اشاعه فحشا و زشتی ها را ذکر می کند و در یک دستور کلی می فرماید: «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الاخره: کسانی که دوست دارند، زشتی ها و گناهان در میان مومنان اشاعه یابد، به عذاب دردناکی در دنیا و آخرت گرفتار خواهند شد.»

تفسیر نمونه در توضیح «اشاعه فحشا» می نویسد: «اشاعه فحشا منحصر به این نیست که انسان تهمت و دروغ بی اساسی را در مورد زن و مرد با ایمان نشر دهد و آن ها را به عمل منافی عفت متهم کند، این یکی از مصادیق آن است اما منحصر به آن نیست، این تعبیر مفهوم وسیعی دارد که هرگونه نشر فساد و اشاعه زشتی ها و قبایح و کمک به نشر آن را شامل می شود.» اینک با چنین دستورات و آموزه های قرآنی آیا صحیح است که این اندازه اخبار نادرست و شایعه های بی اساس در جامعه رواج داشته باشد و امنیت و آرامش جامعه را به مخاطره افکند؟